



## «تزادهای ایثیریانی»

کُرویقای<sup>۱</sup> - قبیله‌ی فانی‌های باستانی که به دلیل نسل‌کشی منقرض شده‌اند. الهه‌ی مرگ را می‌پرستیدند و می‌گویند خون کُرووگون در رگ‌هایشان جاری‌ست. ساکن قسمت شمالی نیکستروس هستند.

صفات: موهای تیره، پوست برنز روشن، فانی.

**دریادیویر<sup>۱</sup>** - نژادی از ایثیریانی‌ها که در جنگل زندگی می‌کنند و گاهی می‌توانند به شکل درخت دریابیند. بسیار باهوش و معمولاً به دنبال کسب دانش هستند. بنا بر عقاید اکثریت، آن‌ها اجداد منسرها و ساکن شرق و سپیریا هستند. صفات: پوست زمخت یا ریشه‌دار، شاخه‌های شاخ مانند، می‌توانند قدرت عناصر را دستکاری کنند.

**الوینیرا<sup>۲</sup>** - کسانی که از طریق نکسومیس جادو می‌کنند. بسیار باهوش و معمولاً به عنوان مشاور پادشاه خدمت می‌کنند. ساکن جزیره‌ی برفی کالیکسار هستند. صفات: پوست تیره یا برنز، موهای سفید (برخی موهای قرمز و پوست رنگ پریده دارند)، گوش‌های نوک تیز

**ارمیشان<sup>۳</sup>** - کسانی که از سرزمین‌های بیابانی ارمیشیا آمده‌اند. جنگجویان فوق‌العاده ماهر که قدرتشان توانایی دستکاری شن و آتش است. صفات: موهای تیره، پوست فلس‌دار که می‌تواند رنگ شن را به خود بگیرد، چشم‌های شرابی.

**لوناسیر<sup>۴</sup>** - منسرهایی که جادوی خون‌شان توسط ماه نیرو می‌گیرد. از سه نسل نیکستروس، دراکونیزیا و وسپیریا. صفات: موهای تیره یا نقره‌ای، پوست رنگ پریده یا نقره‌ای، چشم‌های آبی یا طلایی

منسرها<sup>۵</sup> یا نوادگان منسر - انسان‌های جاویدان، متولد شده با جادویی خون.

---

<sup>۱</sup> Dryadivir

<sup>۲</sup> Elvinira

<sup>۳</sup> Ermician

<sup>۴</sup> Lunasier

<sup>۵</sup> Mancers

**ارگت‌ها**<sup>۱</sup> - جانورانی غول‌پیکر و به شدت خشن هستند. سحر و جادو ندارند و دارای قدرت استثنایی‌اند. ساکن سولاسیا در شمال و مالوپریس در جنوب و اسپیریا هستند. صفات: انسان نما، عضلانی با پوست سبز یا آبی، برخی دارای عاج‌ها و گوش‌های تیز هستند.

**سولاسیون‌ها**<sup>۲</sup> - منسرهایی که جادوی خونی آن‌ها توسط خورشید نیرو می‌گیرد. ساکن سولاسیا. اعتقاد بر این است که اولین منسره‌های جاودانه بوده‌اند. صفات: پوست برنز روشن. موهای بور؛ چشم‌های آبی.

**سیرنیایی‌ها**<sup>۳</sup> - ساکنان دریا با دم‌ها و باله‌های سیاه فلس‌دار بلند. آن‌ها به‌طور مسحورکننده‌ای زیبا، اما خطرناک توصیف می‌شوند چون شرورند و از طعم گوشت منسر لذت می‌برند. در اعماق سرد و تاریک دریای پریمیان پیدا می‌شوند. برخی از دریانوردان انسان هم آن‌ها را در دریای آبیسیوس مشاهده کرده‌اند. صفات: موهای سیاه یا سفید، پوست تیره یا رنگ پریده، چشمان نقره‌ای یا طلایی. گفته می‌شود کسانی که در زیر خندق صلیبی زندگی می‌کنند دارای چشمان سیاه و پوست خاکستری کم رنگ هستند.

**زفرمیت**<sup>۴</sup> - چیزی بین منسر و ارگت. بسیار تهاجمی و رقابتی؛ ارگت‌ها آن‌ها را طرد و بیرون راندند. صفات: شبیه به منسرها هستند اما بیشتر عضلانی‌اند. برخی هم شبیه ارگت‌هایی با عضله‌ی کم‌ترند.

## واژه نامه

**پیوند آبیسال:** قدرتی که فرد را در کالیگوریا گیر می‌اندازد.

**آسندَنسی:** مرحله‌ای شبیه به بلوغ، زمانی که جادوی خون منسرها فعال می‌شود.

**اورا [هاله]:** رد باقی مانده از جادوی استفاده شده برای شناسایی فرد.

**آزرمادین:** عنصری که در غارهای ساتوث کشف شده، درخششی آبی دارد.

**جشن بلوغ:** مرحله‌ای برای زنان جوانی که به زنانگی و بلوغ جنسی می‌رسند.

**پلاتریکس:** زنان جنگجو - نیمه سولاسیونی، نیمه زفرمیتی.

**کالیگوریا:** فضای تاریک ذهن.

**کالیگسی:** حیوانی که از پوستش برای ساختن چرم استفاده می‌شود.

**کامیک:** لباس نیم‌تنه‌ی کوتاهی که به عنوان لباس زیر استفاده می‌شود.

**کانتافل:** طلسمی که اجازه‌ی عبور از آمبراول را می‌دهد. (تعداد اندکی آن را می‌دانند).

**کارنیفک‌ها:** منسری که بیش از حد از ویویکانتم استفاده کرده و وحشی شده است.

**کاتالیس:** موجودات شب‌زی که در جنگل زندگی می‌کنند، چیزی بین گربه و شاهین هستند.

**سلیستریوز:** کرم شب‌تاب‌های وحشی که صورتی انسان‌نما دارند.

**چیکلبین:** گیاه گل‌مانند تندی که برای آرام کردن عضلات به کار می‌رود.

**کلیوینگ [شکافتن]:** توانایی انتقال از مکانی به مکان دیگر از طریق دیوارها و صفحه‌های

صاف.

**مرکز ایتیریا:** هزاران مایل زیر زمین، جایی که شعله‌ی سیاه وجود دارد.

**گرووگون:** از نسل دراکون‌ها، موجودی مارپیچ با چهار پا، پر، منقار و بال که شعله‌ی نقره‌ای

تنفس می‌کند.

**دیموسی:** ترس‌های به جا مانده‌ی مردگان که شبیه به سایه‌ها هستند.

**دموتومانسی:** دستکاری خون، جادوی ممنوعه.

**دیندل وید:** دارویی قوی برای رابطه‌ی جنسی.

**دریک:** موجودی مارگونه، چهار پا، بدون بال.

**دراکون:** موجودی مارگونه، بدون بال.

**دوکلوس:** شرایطی که روی عنیبیه‌ی چشم‌های بعد از یک بیماری تاثیر می‌گذارد.

**امبرفُرج:** تشریفات برای در بر گرفتن قدرت سبلفایر. بسیار خطرناک - می‌تواند باعث بدشکلی در افراد شود. به جز یک بار که موفق بوده بدشکلی به بار نیاورد.

**فرونزی:** مشروب قوی.

**خونریزی آتشین:** پاشیدن فلامپول روی زبان و ایجاد بریدگی‌های کوچک در گوشت و لیسیدن زخم برای کاربرد ماده، باعث فلجی می‌شود.

**فلامپول:** سمی که با وارد شدن مستقیم به جریان خون / زخم باعث فلجی می‌شود.

**فلامیلان:** کسی که خونریزی آتشین را انجام می‌دهد.

**فُرَنزی کِرَاس:** منسری که در بررسی قتل‌ها و هاله‌ها تخصص دارد.

**فِراگور:** سنگی که با طلسم مناسب منفجر و باعث انفجارهای بزرگ می‌شود.

**گلیف:** نشانی که هر نسل خونی برای به کارگیری جادوی خون خود دارد، این نشان‌ها مانند زخم، کف دست ظاهر می‌شوند.

**گُلَویَن:** نیمه انسان نیمه موش که در دیوارهای قلعه‌ها ساکن است.

**خون‌های اصیل:** نجیب‌زاده‌های ثروتمند ایثیریانی.

**اینیتیوس:** مراسمی که توسط خانواده‌ی سلطنتی برای شروع جشن انجام می‌شود. یک نعمت.

**کلتزیگ:** واحد پول به شکل سکه نقره.

**کُرین:** مارهای فلس‌دار بزرگ که در خندق‌ها و رودخانه‌ها زندگی می‌کنند.

**لونامیسکا:** جادوگر ماه کوچولوی من.

**لتالیس:** جلادهای ناشناخته‌ی پادشاه.

**لیرو:** واحد پول (بیشتر از کلتزیگ) به شکل یک سکه سیاه.

**میچ‌دول:** یک تکنیک مبارزه که شامل حروف‌الدریچ و طلسم خون است.

**انجمن جادوگران:** گروهی از جادوگران ماهر که به شاه خدمت می‌کنند.

**مالوول:** روح شیطانی.

**مالوستون:** سنگ طلایی که وقتی به کسی داده شود می‌تواند باعث شومی و بدبختی شود.

**مَندِراوِیلد:** ماده‌ای قوی با خواص توهم‌زایی که از ریشه‌های گیاه ماندارین سیاه و چوب جنگلی به دست می‌آید.

**میمیکرو:** پرنده‌های تحت خدمت انجمن جادوگران که به عنوان جاسوس‌ها، هرچیزی که می‌شنوند را حفظ و تکرار می‌کنند.

**مُرتیمیان:** مرده جمع‌کن‌های شهر.

**مُروم‌بری:** توت شیرینی که روی درخت انگور می‌روید و برای تهیه شراب استفاده می‌شود. از برگ‌ها برای تهیه‌ی روغنی که می‌گویند برای دفع ارواح شیطانی کاربرد دارد، استفاده می‌شود. گل‌ها از خانواده‌ی انگورها هستند و در صورت مصرف بسیار سمی‌اند.

**آبله:** یک بیماری بسیار مسری که باعث ایجاد جوش‌های ناخوشایند در سراسر پوست می‌شود.

**نِکتاردیوم:** شهد خدایان، مشروب قوی.

**نِکسومیس:** توانایی دستکاری گلیف‌ها بدون جادوی خون، عملکردی که الوینیرایی‌ها از آن استفاده می‌کنن.

**نیلیویر:** منسرهایی که به مرور زمان به دلیل کمبود ویویکانتیم جادوی خون خود را از دست می‌دهند.

**نیلمیرث:** سرم حقیقتی قوی که باعث ناخوشی شدید دروغگویان می‌شود.

**پندولینکس:** یک پستاندار پوزه بلند، کوچک‌تر از یک فیل.